

ظهورات حروف در هستی‌شناسی حروفیه با تأکید بر دیوان عمادالدین نسیمی

علی رمضانی^۱نرگس اصغری‌گوار^۲

چکیده

در هستی‌شناسی حروفیه همه چیز از آن نیروی نخستین و قوه بی‌چون که معادل نفس کلّ نوافلاطونیان یا مبدأ نخستین فلوطین می‌باشد، به وجود آمده‌است. نخستین ظهور و والاترین مظهر اولوهیت، کلمه یا کلمه‌الله است که بدان کلام نفسی گویند. کلمه مجرد در تعینات خویش اشکال ۲۸ گانه حروف الفبای عرب را تجسم می‌بخشد و این آن چیزی است که حروفیه آن را «کلام ملفوظ» می‌نامند. الحاق این حروف به یکدیگر، شکل و ماده جهان محسوس را به ذهن القا می‌کند. در نظر حروفیه ۳۲ حرف الفبا در برابر حقایق ملموس و غیرمجرد همان نقش اعیان ثابت را ایفا می‌کنند. موجودات غیرمجرد جهان عینی و ذهنی و همچنین ماده و روح از ترکیبات حروف ۲۸ گانه و ۳۲ گانه منبث گشته‌اند. در این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی با آوردن نمونه‌هایی از آثار حروفیه بویژه سید عمادالدین نسیمی (۸۲۱-۷۷۲ هـ ق) به عنوان موفق‌ترین شاعر این فرقه به ظهورات حروف ۲۸ و ۳۲ گانه عربی و فارسی پرداخته شده‌است. وی در سروده‌های خویش توانسته‌است اندیشه‌های حروفیه را به خوبی در قالب شعر بیان کند و همین امر سبب شده‌است برخی همچون بکتاشیه و کاکائیه که عقایدی شبیه حروفیه دارند دیوان نسیمی را از کتاب‌های مقدّس خود بدانند.

کلید واژه‌ها:

حروفیه، فضل‌الله نعیمی، عمادالدین نسیمی، کلمه، حروف

^۱ - گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر - ایران. (نویسنده مسؤول)

^۲ - گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر - ایران.

مقدمه

فضل‌الله نعیمی استرآبادی بانی فرقه حروفیه در ۷۴۰ هجری در استرآباد چشم به جهان گشود. پدرش قاضی القضاات استرآباد بود که در اوان کودکی فضل، دارفانی را وداع گفت. وی از همان دوران تمایل به عبادت داشت و روزه‌داری پیشه می‌کرد و به «سید فضل‌الله حلال‌خور» معروف شد. وی در ۱۵ سالگی شروع به تعبیر خواب کرد و به حدی رسید که «صاحب تأویل» نامیده شد و قرین یوسف به شمار آمد و از همین راه مریدان زیادی به دست آورد. فضل و پیروان او به صفات خوب و حمیده‌ای آراسته بودند تا آنجا که آن‌ها را «حلال‌خوران» یا «راستگویان» می‌نامیدند. فضل ابتدا به اتفاق پیروانش راهی اصفهان شد و هفت نفر از داعیان خود را برگزید و پس از چندی به مکه رفت و هنگام بازگشت در تبریز، با سلطان اویس جلایری ملاقات کرد. وی مدتی از عمر خود را در نواحی خوارزم و خراسان و سایر شهرها گذراند و پس از سفر دوم خود به مکه در سال ۷۷۶ هجری مجدداً به تبریز رفت. او در خلال دو سال اقامت خود در تبریز (۷۷۶-۷۷۸) پایه‌های آیین جدید خود را استوار ساخت. نشر و توسعه آیین جدید در سرزمین‌های مختلف، موجب انفعال بسیاری از علما و متصوفان در مقابل فضل گردید. علمای دین در سمرقند و گیلان حکم به قتل او دادند و تیمور را به کشتن او ترغیب کردند. تیمور نیز بر اساس فتوای آنان فرمان دستگیری فضل را صادر کرد. سال قتل وی را ۷۹۶ هجری نوشته‌اند. (رک: گولپینارلی، ۱۳۷۴: مقدمه؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل حروفیه) معروف‌ترین اثری که از فضل بر جای مانده است «جاودان‌کبیر» نام دارد. این کتاب تفسیری بر قرآن است که وی آن را به زبان فارسی و گویش استرآبادی نوشته است. نشر آن همه‌جا بسیار ساده است و در آن هیچ‌گونه صنعت به کار نرفته، فقط فضل کوشیده است که آنچه می‌خواسته بسادگی یادداشت کند. گاهی غلط دستوری در جمله‌های آن دیده می‌شود. (رک: کیا، ۱۳۳۰: ۴۲) مثنوی «عرش‌نامه» یکی دیگر از آثار اوست که حدود ۱۱۲۰ بیت دارد و آغاز آن چنین است:

بی بسم الله الرحمن الرحیم آدم خاک است ای دیو رجیم

«محبّت‌نامه» و «نوم‌نامه» از آثار دیگر او می‌باشد. از فضل «دیوان اشعاری» نیز بر جای مانده که در آن‌ها «نعیمی» تخلص کرده‌است. جاودان‌صغیر، کتاب تأویلات، انفس و آفاق، عرف‌نامه از جمله کتاب‌هایی هستند که تقریر آن‌ها را به او نسبت داده‌اند. از میان پیروان و یاران فضل، سه تن بیش از همه به او نزدیک بودند. مولانا مجدالدین استرآبادی که به مرشد خراسان معروف بود. «محرّم‌نامه» نام کتابی به قلم وی است که در آن اصول عقاید و اندیشه‌های حروفیان شرح داده شده‌است. دو نفر دیگر از خلفای فضل که پرشورترین و شوریده‌ترین آن‌ها بودند عبارتند از: علی‌الاعلی ملقب به خلیفه‌الله و وصی‌الله از اجله خلفای فضل بود که جاودان‌نامه فضل را در سال ۸۰۱ به نظم کشید و سید عمادالدین نسیمی معروف‌ترین و شجاع‌ترین خلیفه فضل بود که جان بر سر آمال و اهداف خود نهاد و کشته شد. (رک: خیای، ۱۳۷۹: ۱۲-۱۲۴؛ ذکواتی قره‌گزلو، ۱۳۸۳: ۱۱-۱۴)

علم حروف علمی است که به تفسیر حروف و اسما از طریق قواعد حروفی می‌پردازد. البته علم حروف به جهت سرگرمی یا ساختن معما هم کاربرد دارد. تفاوت آن با علم اعداد (عددشناسی) این است که علم اعداد تنها به تفسیر و معنای اعداد از طریق اعداد و ترکیبات آن می‌پردازد، اما علم حروف به تفسیر اسما، کلمات و حروف از طریق حروف و اعداد می‌پردازد. علم حروف را در عبری گماتریا، در عربی جفر و در لاتین لگزیگرام می‌نامند. فضل‌الله به علم حروف که از قدمت زیادی برخوردار بود آشنایی کامل داشت و نتایج تلاش جستجوگران این علم را دستمایه کار خود قرار داد و آن را در آیین جدیدی متکامل کرد. او با استفاده از آن به تطبیق تمام مظاهر آشکار و پنهان جهان از جمله احکام دینی با ۲۸ حرف عربی و ۳۲ حرف فارسی پرداخت.

محوری‌ترین مفهوم در دستگاه واژگان حروفیه انسان است. تمام موضوعات دیگری که در آثار آنان مطرح شده است بی‌گمان با موضوع انسان ارتباط دارند. در واقع پیام حروفیه به بشریت این است که این جهان جانی دارد و ما باید جان این جهان را بشناسیم. کل عرفان آنان مبتنی بر

یک رکن اساسی است و آن انسان و شناخت نیروهای خلاق اوست. هیچ بخشی از آثار آنان را نمی‌توان یافت که با انسان و ساحات وجودی و جوانب مختلف حقیقت او مرتبط نباشد. بنابراین جایگاه انسان در نزد آنان بسیار رفیع است؛ خدا یا هیچ چیز دیگر را نمی‌توان شناخت مگر از طریق انسان. افکار متعالی و اندیشه‌های این فرقه با اینکه بر بخشی از شعر فارسی سایه انداخته است تاکنون مورد تجزیه و تحلیل علمی قرار نگرفته است. در این مقاله از میان عقاید مختلف و به ظاهر عجیب و غریب این گروه، موضوع «ظهورات حروف در هستی‌شناسی حروفیه» را مورد بحث و تحلیل قرار می‌دهیم.

پیشینه تحقیق

کلمان هوارت در مقدمه «مجموعه رسائل حروفیه» و رضا توفیق در تحقیق خود - به ضمیمه همین کتاب - پیدایش حروفیه و عقاید فلسفی فضل‌الله را بررسی کرده‌اند. رضا توفیق وجود عناصر نوافلاطونی و وحدت وجودی را در عقاید حروفیه نشان داده، معتقد است که مذهب حروفیه در مجموع جز کاریکاتوری از مذاهب بزرگ نیست. در مقدمه این کتاب به‌طور بسیار مختصر به شعر و عقاید نسیمی نیز اشاره شده است. (هوارت، ۱۳۲۷هـ.ق) هلموت ریتز در تحقیق خود به نام «آغاز فرقه حروفیه» به‌طور مفصل به زمینه‌های تاریخی علم حروف در فرهنگ اسلامی و به زندگی، عقاید، خانواده و پیروان فضل‌الله پرداخته است. (ریتز، بی‌تا) الشیبی در کتاب «تشیع و تصوف» فصل جامع و ارزشمندی را به پیدایش فرقه حروفیه و عقاید فضل‌الله نسیمی اختصاص داده اما هیچ اشاره‌ای به زحمات و تحقیقات صادق کیا و ریتز نکرده است. (الشیبی، ۱۳۷۴) در ایران، گذشته از مقاله کوتاه و مفید ناصرالدین شاه‌حسینی (ماهنامه اطلاعات، ۱۳۲۹) نخستین بار صادق کیا به معرفی فرقه حروفیه پرداخته است. او ضمن کوشش‌های ارزنده خود در بازشناسی و بازخوانی متون استرآبادی فرقه حروفیه، بر اساس منابع دست اول، به شرح زندگی و تعالیم فضل‌الله پرداخته و به‌طور مختصر به زندگی و عقاید عمادالدین نسیمی نیز اشاره کرده است. (کیا،

(۱۳۳۰) تحقیقات و زحمات صادق کیا الهام بخش همه پژوهش‌های بعدی درباره حروفیان است. میرفطروس در دو کتاب «جنبش حروفیه و نهضت پسیخانیان»، «عمادالدین نسیمی شاعر و متفکر حروفی» ضمن تأکید بر باورهای مادی و این جهانی برخی حروفیان، به اشعار و عقاید نسیمی نیز اشاره کرده است. (میرفطروس، بی تا) جلالی پندری نیز در مقدمه نسخه جدیدی از «دیوان نسیمی» به زندگی و سرنوشت نسیمی پرداخته است. وی ضمن اینکه او را «شاعری متوسط» دانسته، با تأکید بر «افکار مادی بعضی حروفی‌ها» کوشیده است تا بین عقاید فضل‌الله و افکار جانشینانش فرق و فاصله قائل گردد. (نسیمی، ۱۳۷۲)

۱. هستی‌شناسی و وحدت وجود

۱-۱ نیروی نخستین

در هستی‌شناسی حروفیه، وجود مطلق از نوعی قوه ازلیه برخوردار است که از آن به علّت نامتناهی و نیروی نخستین تعبیر می‌کنیم که به طور خلاصه همان «مبدأ نخستین» فلوپین است. نسیمی آن را «قوه بی‌چون» می‌نامد که اصل کلمه «کاف و نون» است. به جز یک قوه بی‌چون که هست آن اصل کاف و نون

مجو چیزی ز سی و دو که اصل کن فکانستی

(نسیمی، ۱۳۷۲: ۳۱۸)

۱-۲ کلمه

نخستین ظهور و افاضه آن نیروی نخستین کلمه است فی حد ذاته، یعنی مجرد کلمه که در این حالت آن را «کلام نفسی» می‌نامند و اصطلاحی نوافلاطونی است. (رک: همان: ۵۲) کلام نفسی موجودی است بی‌نهایت، مطلق و بی‌شکل که در شکل حروف، تعیین و تشخیص می‌یابد. نسیمی آن کلمه و کلام نفسی را کاف و نون می‌داند:

شد گنج نهان ما هویدا گنجی که از اوست عین اشیا

گنجی که ز کاف و نون او شد ترکیب وجود عالم انشا

گنجی که از او شد آفریده امروز و پریر و دی و فردا

(همان: ۳۳۹)

پیش از ظهور یا تجلی هیچ چیزی جز نیروی جاویدان که حتی برای وجود گرفتن نیازمند مکان هم نبود وجود نداشت. کلمه «کن» نخستین ظهور یا تجلی خدا بود. به حکم آیه «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس / ۸۲) اصل جمیع اشیا کلمه کن است و همه از او موجود شده‌اند. وقتی خداوند منان اراده فرماید که چیزی را خلق بنماید، کافی است که بفرماید «کن» تا فعل «فیکون» تحقق یابد.

چون هستی ما ز کاف و نون پیدا شد ماهیت کاف و نون عین ما شد

او را چو مظاهر صفات، اشیا بود اشیا همه او شد او همه اشیا شد

(نسیمی، ۱۳۷۲: ۳۵۷)

۴۱ حروف ۲۸ و ۳۲ گانه عربی و فارسی

کلمه مجرد در تعینات خویش اشکال ۲۸ گانه حروف الفبای عرب را تجسم می‌بخشد و این آن چیزی است که حروفیه آن را «کلام ملفوظ» می‌نامند. این حروف بسیطانند و مبدأ نخستین و ریشه همه وجودات ملموس یا غیرمجرد را تشکیل می‌دهند و الحاق آنها به یکدیگر، شکل و ماده جهان محسوس را به ذهن القاء می‌کند. (رک: همان: ۵۲) در نظر حروفیه ۳۲ حرف الفبا در برابر حقایق ملموس و غیرمجرد همان نقش اعیان ثابت^۱ را ایفا می‌کنند. (همان: ۶۲) با اینکه این حروف منزوی و جدای از یکدیگرند «مدرک» نیستند یعنی؛ فی نفسه فاقد هرگونه معنی معقولند و بدین علت است که انسان نمی‌تواند آنها را همچون امری برون‌ذاتی ادراک کند. به عبارت دیگر در حالت بساطت قابل درک نیستند. (رک: همان: ۵۲) حروفیه، اول نقطه و بعد از آن الف را منشأ تمام حروف می‌دانند. شاعری به نام وحدت هندی شیوه ظهور حروف ۲۸ و ۳۲ گانه عربی و فارسی را بدین صورت بیان کرده است:

که شد از طول وحدت نقطه موجود
 به صورت گشت الف از وی پدیدار
 به ضمّ نقطه وحدت هویدا
 عیان شد تا و تا اندر مظاهر
 به طومار حقیقت حا رقم گشت
 الف خم گشت و دال آمد هویدا
 به ذال آمد مبدل صورت دال
 که حرف دیگری شد در کتابت
 ولکن محرم این مدعا کیست؟
 که ظلمت وحدت ایزد تعالی است
 بود پس عین این وحدت مظاهر
 (همدانی، ۱۳۷۶: ۱۰)

نخستین وحدت حق جلوه گر بود
 پس آن گه نقطه شد در ظلّ سیّار
 ز سیر عرض او شد صورت «با»
 مکرر گشت چون این نقطه ظاهر
 الف چون از دو سر برعکس هم گشت
 چو اندر سجده ایزد تعالی
 به ضمّ نقطه توحید فی الحال
 الف هر دم به طوری کرده شرکت
 غرض این حرف بیرون از الف نیست
 الف از نقطه وحدت هویدا است
 ز ظلّ وحدت اسما گشت ظاهر

در نظر شیخ رجب بُرسی (۷۴۳-۸۱۳ ه.ق) الف با حرکتی از حالت عمودی به حالت افقی در می آید و «ب» می شود که منشأ فیض دیگری است. «ب» در شکل ظاهری عکس الف است ولی اسرار الف را در نقطه خود نهفته دارد. این نقطه علّت آن سنگینی است که الف ایستاده را تخت کرده است. الف خوابیده یعنی ب، اولین الهامی است که بر رسول الله فرود آمد و اسرار اصلی آن در نقطه است که امیرالمؤمنین بدان اشاره کرده: «أَنَا نُقْطَةُ الَّتِي تَحْتَ الْبَاءِ» منم آن نقطه ای که در زیر ب است. (کربن، ۱۳۶۱: ۱۳) سعدالدین حمویه (۵۸۶ - ۶۵۰ ه) در المصباح فی التّصوّف آورده است: «اکنون بدان که از با تا یا جمله حروف صورت بسط ذات الف اند و در هر حرفی الف موجود است و مضمّر، هم به معنی و هم به لفظ، پس همه از الف جدا شدند و الف در همه موجود است و در همه است و بیرون از همه و این مجموع اوست. همه مظهر او اند و او مظهر همه، همه مبانی او اند و او بانی همه حرفها.» (حمویه، ۱۳۶۲: ۶۱) رباعی ذیل از اوست:

یک نقطه الف گشت و الف جمله حروف در هر حرفی الف به اسمی موصوف
 چون نقطه تمام گشت و آمد به سخن ظرفی است الف نقطه از آن چون مظروف
 (همان: ۴۲)

پس:

مجموع کتاب آسمانی یک نقطه بود اگر بدانی
 (گولپینارلی، ۱۳۷۴: ۷۲)
 باید توجه داشت که حروف ۳۲ گانه فارسی و حروف ۲۸ گانه عربی جدای از هم نیستند:
 بیست و هشت و سی و دو نطق خدا کی توان کردن ز یکدیگر جدا
 (همان: ۶۸)

۱-۴ موجودات

موجودات غیرمجرد جهان عینی و ذهنی و همچنین ماده و روح از ترکیبات حروف ۲۸ و ۳۲ گانه منبعت گشته‌اند. این حروف به‌طور مطلق در بین خود یکسان و علی السویه‌اند.

همه یک ذات سی و دو یکی عاشق یکی دلبر چو باشد سی و دو یک شی چه جای این و آنستی
 شد اینجا سی و دو دلبر، شد آنجا سی و دو عاشق چو هر دو سی و دو هستند همان یک غیب‌دانستی
 از آن است سی و دو عاشق به روی سی و دو دایم که سی و دو ز سی و دو دل و هم دلستانستی
 (نسیمی، ۱۳۷۲: ۳۱۷)

با این همه چون فراگرد یکدیگر آیند از اهمّیت موجودی کامل برخوردار می‌گردند؛ بنابراین حروف در حال ترکیب هم از شکل و ماده برخوردار می‌گردند و هم محسوس و مدرک‌اند. بدین ترتیب هر چیزی شکلی معین از موجودات است که بر اثر تمرکز، تجمّع و نظم چند حرف، تشخیص یافته‌است و همین شی «جزئی ناطق» از کلمه جاویدان است. (همان: ۵۳)

ذاتی که عبارت است از سی و دو حرف عین دوجهان است چه مظروف و چه ظرف
 یعنی که حقیقت حروف از ذات است ای منشی علم نحو وی واضع صرف
 (همان: ۳۶۲)

گفتن این نکته ضروری است که ۲۸ حرف عربی و ۳۲ حرف فارسی از ظهورات «کلمةالله» و از صفات انفکاک‌ناپذیر ذات خداوند هستند. فضل‌الله نعیمی استرآبادی گوید:

سر به سر یک یک صفات ذوالجلال همچو ذات حق تعالی بی زوال
با همه اشیا چو ذات حق مقیم هم رحیم و هم کریم و هم قدیم
غیر مرئی هر یکی در ذات حق فاش گفتم پرده برخاست از طبق

(نعیمی، ۱۳۵۴: ۵۷)

گل‌بابا^۲ یکی از شعرای حروفی آن را بدین صورت بیان کرده است:

سی و دو اولدی صفات ذوالجلال بر گون شدر آکا یوقدر زوال

(گولپینارلی، ۱۳۷۴: ۵۷)

ترجمه: صفات خداوند ذوالجلال سی و دو شد، این موضوع واضح است و بر سپیدی زوال نیست.

فضل‌الله می‌گوید که صفات حق تعالی عین ذات او نیست بلکه مشتق از ذات اوست:

همچو ذات حق تعالی بی‌زوال دایم و قائم به ذات ذوالجلال

(نعیمی، ۱۳۵۴: ۵۸)

در نظر نسیمی ذات و صفات در اصل یکی هستند:

چون پیش نسیمی صفت و ذات یکی شد کی فرق میان صفت و ذات توان کرد

(نسیمی، ۱۳۷۲: ۱۶۹)

اما شناخت ذات واجب‌الوجود ممکن نیست ولی می‌توان صفات او را شناخت:

دانستن ذات واجب امکان تو نیست چون آیت فضل و علم در شأن تو نیست
مسموع نگردد بر من حجّت تو تا پیش من از سی و دو برهان تو نیست

(همان: ۳۵۶)

۲. ظهورات حروف ۲۸ و ۳۲ گانه عربی و فارسی

از آنجا که جهان عینی و ذهنی یا برون‌ذاتی و درون‌ذاتی همچنین ماده و روح در آخرین مرحله تحلیل منطقی جز ترکیباتی متکثر از ۳۲ حرف منبعث از کلمه مطلق و جاویدان نیستند بنابراین هیچ ذره‌ای نمی‌تواند خارج از ذات والاترین مظهر الوهیت یعنی کلمه که قدرت مطلقه و فراگیر است قرار گیرد. (همان: ۶۵)

جز حروف اندر نهان و آشکار	نیست چیزی گر تو می‌یابی بیار
ای روی تو هفت مصحف صانع پاک	(گولپینارلی، ۱۳۷۴: ۴۶)
در عالم اعلی بنگر تا حد خاک	زین هفت مصور شده آن هفت افلاک
	جز سی و دو نیست گر تو را هست ادراک
	(نسیمی: ۱۳۷۲، ۳۶۲)

فضل‌الله، فیض هستی را که از ذات خدا سرچشمه می‌گیرد، به «نطق» یا «کلام» تعبیر می‌نماید؛ بنابراین کلمه‌الله علت وجودی جمیع اشیاء است. چون کلمه حضرت که عین ذات است، بر جمیع اشیاء احاطه دارد؛ پس لازم است که حق، سبحانه و تعالی، بالذات به همه اشیاء محیط باشد. هیچ شیئی از اشیاء نیست که کلمه در او تجلی نکرده است. در رساله ذره‌نامه آمده است: «ظاهر و باطن اشیا به غیر از کلمه و کلام حق چیز دیگر نیست.» (رک: هوارت، ۱۳۲۷: ۷۷)

زاشیا چون جدا دلم تو را ای عین اشیا؟ چون	محیطی بر همه اشیا و عین جمله اشیا
	(نسیمی، ۱۳۷۲: ۲۹۶)

نسیمی از دو جهان نفی غیر از آن رو کرد	که نور ذات تو عین وجود اشیا شد
	(همان: ۱۷۸)

در اینجا برای نمونه به چند مورد از ظهورات ۲۸ و ۳۲ اشاره می‌شود:

۱-۲ اصل جهان

گل بابا در کتاب مفتاح الغیب می گوید:

اوتوز ایکی حرفدر اصل جهان کاولش اول اشیاء دروننده نهان
(گولپینارلی، ۱۳۷۴: ۵۴)

ترجمه: اصل و اساس جهان از ۳۲ حرف تشکیل شده است. این حروف در درون همه اشیاء جهان نهان هستند.

۲-۲ آنچه در دو جهان است

ای عشق تو سر دفتر اسرار وجود
جز سی و دو حرف لم یزل در دو جهان
منصور دل، آویخته از دار وجود
بنمای کسی که هست در دار وجود
(نسیمی، ۱۳۷۴: ۳۵۸)

چون مطلق نطق کردگاریم
ظاهر ز وجود کل اشیاء
بیرون ز حساب و از شماریم
جز سی و دو نیست زیر و بالا
شد سی و دو نطق ظرف اشیاء
هر چیز که هست نهان و پیدا
از سی و دو نیست هیچ بیرون
گر دیدی و ندیدی هست و ارون
(همان: ۶۶)

عناصر چهارگانه ترکیبی از حروفند و آنگاه همین چهار عنصرند که پس از ترکیب با

یکدیگر روح الهی را در جسم آدمی می دمند:

از چار عناصر محرم
این چار عناصر محرم
گردید وجود ما مکرم
با هم چو موافقت گزیدند
کاین اصل و اساس از اوست محکم
زین آب و هوا وجود هر شی
این روح خدا در او دمیدند
گردید ز نطق فضل حق حی
(همان: ۶۵)

و همین دم است که بر اثر آن، نطفه عیسی در رحم مریم پدید آمد:

آن را که به دم بزاد مریم
تا مریم بکر گشت حامل
آمد چو مسیح سوره گشته
زان روی دمنده دم شد او هم
از روح خدا به نطق کامل
با ذات خدای خود سرشته
(همان: ۶۵)

همچنین است پدید آمدن کوثر:

کوثر که عطای احمد آمد
این صورت نطق سرمد آمد
(همان: ۶۶)

و آنچه در تصور ما می آید.

این خیال و وهم تو با هرچه گشت
در کاینات غیر تو کس را وجود نیست
نیست غیر از سی و دو و بیست و هشت
ای یافته وجود به ذات تو کاینات
(همان: ۱۳۱)

حتی آن دایه الارض هولناکی که با ظهورش پایان عالم اعلام خواهد شد.

دابه که خروج او ز خاک است
می دان به یقین که نطق پاک است
(همان: ۶۶)

به نظر حروفیه، حق در این عالم هم به صورت های گوناگون متجلی می شود اما به رغم تجلی حق در کثرات اسماء، وحدت ذات حق باقی است. (رک: هوارت، ۱۳۲۷: ۶۳) پس مانند طرفداران وحدت وجود، خداوند در همه اشیا ظهور دارد، اما کامل ترین ظهور حق در انسان است. خدا روح خود را به صورت کلمه در مریم دمید و عیسی (ع) پدید آمد و آن امانت هم که خدا به انسان داده، نطق یا قدرت بر ادای کلمه بوده است. به واسطه همین نطق، انسان آیین و وجه الهی و هیكل رحمانی و مسجود فرشتگان است. (رک: همان: ۱۰۰-۱۰۷). صفت نطق، مظهر الله

است و مرگ به این حقیقت راه ندارد. پس کلمه، سرچشمه حیات باقی خواهد بود از این رو عیسی (ع) نیز که کلام و نطق حق است، زندگی جاوید دارد. (رک: همان: ۱۰۴)

سی و دو نور خدا یک نور بود	آن که در هر مظهري خود را نمود
ره به سوی نور خود هم نور برد	وحدتش شرک دو عالم را زدود
سرّ وحدت را و اشیا را بیاب	طالب از «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»
	(همان: ۸۳)

۲-۳ وجود انسان

فضل الله نعیمی به دو نوع ظهور الهی معتقد است:

الف- یک بار خویشتن را در طلعت آدم که به صورت و مثال خودش آفریده شده بود ظاهر ساخت (رک: در تعریف ذره، ۱۳۲۷: ۷۳-۸۳)

ای بی خبر از وجود هستی	مستی و کنی تو عیب مستی
الله ظهور کورد از آدم	کی بینیش تو که بت پرستی
	(نسیمی، ۱۳۷۲: ۳۸۹)

ب- بار دیگر در کلام خویش یعنی قرآن و در اسماء موجودات پدیدار گشته است. (رک:

در تعریف ذره، ۱۳۲۷: ۷۳-۸۳)

فضل این دو نوع ظهور الهی - در کلمه و در آدم- را به کیفیتی خاص به هم متصل می کند. اتصال این دو نوع ظهور از آنچه گفتیم عمیق تر است. انسان به عنوان پسر آدم نه تنها به صورت خدا آفریده شده و وجودی خدایی است و نه تنها مظهر تام کلمات الهی است، بلکه علاوه بر این ها خداوند اراده نموده که ۲۸ و به طریق اولی ۳۲ حرف نامرئی و غیرمادی موجود در ذات خویش را در او تعیین بخشد و هویدا سازد. بر چهره آدم و هر انسانی این ۲۸ یا ۳۲ حرف و فاتحه و تمام قرآن نگاشته شده است. (رک: همان: ۱۵-۱۶) در رساله سیدشریف آمده است:

«بدان که کلیه اسماء که حضرت حق - جل و علا - تعلیم آدم کرد و آدم بدان سبب، معلّم ملائکه و مسجود نفوسِ قدسیّه ملاءِ اعلی شد ۳۲ کلمه الهی بود.» (همان: ۹۱)

بر اساس اعتقادات حروفیه خداوند به اراده خود نشانه‌هایی از چهره خویش را بر چهره آدمی نهاده است: «نماز و زکات و حجّ و جهاد و پرستش و طواف کعبه، مجموع از برای آن است که ره به کتابت وجه الهی که وجه آدم و حوا و غلمان و حور است، برند.» (نسیمی، ۱۳۷۲: ۱۷)

علم الاسما ز آدم شد عیان سی و دو بود شد عیان از وجه تا خواندیم کی پنهان کنم
هم نماز و روزه و حجّ و طواف کعبه را دیده ام از روی جانان تا ابد دوران کنم
(همان: ۲۳۴)

پس انسان از ۲۸ و ۳۲ حروف فارسی و عربی پدید آمده است و در شکل ظاهری او نیز ارزش‌های عددیه محفوظ است.

از مصحف رویش بخوان سی و دو حرف لم یزل تا ره بری بر ذات حق واقف شوی ز اسرار او
از لوح روی دلبران سی و دو حرف حق بخوان اسرار «ما او حی» بین از چار هفت و چار او
(همان: ۲۶۳)

گمراهی کز خط «وجه» دوست روی حق ندید شرح بیست و هشت و سی و دو کجا داند که چیست
(همان: ۱۵۰)

مصحف حسن دلبرم هست دو چارده ولی سی و دو است از آنکه آن ماه دو پنج و چار من
(همان: ۲۵۵)

به وجه آدم خاکی نوشته سی و دو خط به جز خدای که خواند چنان خط زیبا
(همان: ۲۰۱)

پس جمیع اسماء که در السنه مختلف در آیند از مفرد و مرکب، در ضمن سی و دو کلمه الهی است و مظهر این سی و دو کلمه آدم است به حسب ظاهر و باطن، زیرا که:

مایم رضای کبریایی مایم کتابت الهی
ما سی و دو حرف لایزالیم ما مظهر ذات بی زوالیم
(همان: ۳۲۶)

شیطان چون این سی و دو خطّ وجه آدم را ندید، از سجده کردن سرپیچی نمود و مطرود گشت:

آن سی و دو خطّ وجه آدم چو ندید شیطان به خلاف حق سر از سجده کشید

(همان: ۳۶۰)

در مجموعه رسائل حروفیه آمده است: «خلاصه آدم، انسان کامل است و مقصود از انسان

کامل، آدم است و خلاصه آدم وجه است و خلاصه وجه نور است. پس باید که انسان حقیقت

خود را بداند تا به مقصود رسد و آنکه روی از آدم بگردانید و سجود نکرد، ملعون شد.

سجده بر آدم نکرد آن بد معاش در دو عالم زان به لعنت گشت فاش

(همان: ۸۶)

خلاصه اینکه این سی و دو حرف به عنوان هادی فرشتگان و انسان‌هاست:

از خاک و ز آب آدم و وجود هم آتش و آب تابع و لازم بود

سی و دو خط خدا به وجه آدم هر کس که بخواند چون ملک کرد سجود

(همان: ۳۵۸)

راه اگر از سی و دو یابی یقین خانه را دانی هداً للعالمین

اختلاف السن و الوان از اوست آشکارا جمله و پنهان از اوست

گاه ظاهر می شود در آسمان سی و دو نطق خدای غیب دان

گاه در عنصر خصوص از روی خاک احسن صورت بگیرد نطق پاک

در سماوات و زمین دانش اله گر به کشف انبیاء بردی تو راه

(همان: ۶۶-۶۷)

در این شعر مقصود از خانه جسم انسان است که از طریق ۳۲ حرف که به منزله درهای

آن است بدان وارد می شوند. هم چنین در نزد حروفیان منظور از بیت معمور، جسم انسان است:

قصری که بر اوست سی و دو در جایی است برون هفت کشور

زان قصر ظهور نور ذات است زان سی و دو ذات را صفات است

وان خانه که وصف اوست معمور زان جاست ظهور سی و دو نور

(همان: ۶۷)

نتیجه گیری

فضل الله نعیمی فیض هستی را که از ذات خدا سرچشمه می گیرد به «نطق» یا «کلام» و سرّیان آن را در موجودات به «حرف» تعبیر می نمود. این کلمه همان علت اولی یا مسبب الاسباب است که بالقوه به بیست و هشت و سی و دو حرف الفبا حیات می بخشد و بدین ترتیب اشکال نامحدود و نامشخص حروف را تشخیص می دهد که در نتیجه، امر مطلق به امر ممکن، و چیز نامعین به امر معین تبدیل می گردد.

۱. نخستین ظهور و والاترین مظهر اولوهیّت، کلمه یا کلمة الله است که بدان کلام نفسی گویند.
۲. بیست و هشت حرف عربی و سی و دو حرف فارسی از ظهورات «کلمة الله» و صفات انفکاک ناپذیر ذات اویند.
۳. هر یک از بیست و هشت و سی و دو حرف الفبای عربی و فارسی جلوه‌ای از جلوه‌های وجود هستند و اجتماع یا ترکیب هر چند تا از آنها منشأ ترکیب‌های صورت و هیولا و پیدایی وجود جسمانی چیزها می باشد.

پی نوشت‌ها

۱. اعیان ثابت از دیدگاه عرفانی: جهان از خدا، اسماء، مظاهر اسماء و صفات الهی تشکیل شده است. در این میان فقط ذات حق اصل است و اسماء و صفات خدا جلوه‌هایی از ذات ربوبی هستند و مظاهر عینی نمودهای بیرونی اسماء و صفات هستند. در مورد اسماء و صفات در بعد عرفانی باید گفت که هر اسمی از اسماء حق دو صورت دارد:

الف- صورت یا ظهور عینی در جهان خارج یا عالم کون و فساد

ب- صورت یا ظهور علمی در عالم علم خدا (صور علمیه یا صورذهنیه)

اعیان ثابت صورت‌ها یا ظهورات علمی اسمای الهی در عالم علم خداوند هستند. هر عین ثابت می‌تواند در عالم خارج تحقق داشته باشد. مبحث اعیان ثابت از زمان محیی‌الدین در عرفان مطرح شد و مهم‌ترین جایگاه آن درباره توجیه علم خدا به مخلوقات پیش از خلق شدن آن‌ها است. حال آنکه آن‌ها وجود نداشتند و علم هم به وجود تعیین می‌پذیرد نه به عدم و معدوم. عرفا معتقدند که مخلوقات قبل از خلق در عالم علم خدا عین ثابتی داشتند و صورت علمی آن‌ها نزد خدا حاضر بود. در حقیقت علم خدا به آن‌ها از نظر صورت علمی آن‌هاست و در هنگام خلق موجودات از روی صورت علمی که نزد خدا وجود داشته خلق شده‌اند. در این استدلال آن‌ها، زمان نقش بسیار مؤثری را برای خدا ایفا می‌کند، یعنی قبل از خلق، خداوند می‌دانسته باید چه کند و صورت علمی موجود در نزد او حاضر بوده که می‌خواهد چه چیزی و به چه صورتی بسازد. (رک: بختیار، ۱۳۸۸: ۹۴ به بعد) اما لفظ راحت‌تر این است که خداوند چون در زمان نمی‌گنجد و خالق زمان و حرکت و اشیاء و صور خیالی و اوهام و قوانین و ... است پس خود مشمول قوانین زمانی نمی‌شود و علم خدا چون عین ذاتش است و عارض بر ذات نیست آن هم شامل زمان و مکان و گذشته و حال و ... نمی‌شود.

۲. گل بابا شیخی محترم و از حروفیان برجسته است که در شهر بُوداپست از دنیا رفته و در همان‌جا مدفون است. عنوان کتابش مفتاح‌الغیب است که از لحاظ شعری ضعیف و از لحاظ مفهوم بسیار جالب است. (رک: نسیمی، ۱۳۷۲: ۵۴) وی هم چنین دیوان شعری به زبان ترکی تحت عنوان «مثالی بابا» دارد که به خود زحمت داده و در آن همه مسایل مهم حروفیه را حل کرده است.

۳. کلمان هوارت «مجموعه رسائل فارسی حروفیه» را به سال ۱۳۲۷ در شهر لیدن به چاپ رسانده است. این مجموعه شامل هشت رساله به شرح ذیل است:

- هدایت‌نامه، حسن استرآبادی، از ص ۱ تا ص ۱۲
- محرم‌نامه، سید اسحاق، از ص ۱۳ تا ص ۵۸
- نهایت‌نامه، از ص ۵۹ تا ص ۶۵
- رسائل، از ص ۶۶ تا ص ۷۲
- در تعریف ذره، از ص ۷۳ تا ص ۸۳
- رساله، سید شریف (امیر شریف)، از ص ۸۴ تا ص ۸۹
- رساله، سید شریف (امیر شریف)، از ص ۹۰ تا ص ۹۸
- اسکندرنامه، از ص ۹۹ تا ص ۱۲۵

فهرست منابع و مآخذ

- ۱ قرآن کریم
- ۲ المیشبی، کامل مصطفی، (۱۳۷۴)، تشیع و تصوّف تا آغاز سده دوازدهم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.
- ۳ بختیار، مریم، (۱۳۸۸)، شرح سی مقوله از عرفان، اهواز، انتشارات دانشگاه آزاد اهواز، چاپ اول.
- ۴ حمویه، سعدالدین، (۱۳۶۲)، المصباح فی التصوّف، تصحیح نجیب مایل هروی، تهران، انتشارات مولی، چاپ اول.
- ۵ خیابوی، روشن، (۱۳۷۹)، حروفیه (تحقیق در تاریخ و آراء و عقاید)، نشر آتیه، تهران، چاپ اول.
- ۶ دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ دوم از دوره جدید
- ۷ ذکاوتی قره‌گزلو، علیرضا، (۱۳۸۳)، جنبش نقطویه، نشر ادیان، قم، چاپ اول.
- ۸ ریتر، هلموت، (بی‌تا)، آغاز فرقه حروفیه، ترجمه حشمت مؤید، بدون نام ناشر.
- ۹ شاه‌حسینی، ناصرالدین، (۱۳۲۹)، ماهنامه اطلاعات، شماره ۵، ص ۵۴.
- ۱۰ کربن، هانری، (۱۳۶۱)، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه اسدالله مبشری، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم.
- ۱۱ کیا، صادق، (۱۳۳۰)، واژه‌نامه گرگانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- ۱۲ گولپینارلی، عبدالباقی، (۱۳۷۴)، فهرست متون حروفیه، ترجمه: توفیق سبحانی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- ۱۳ میرفطروس، علی، (بی‌تا)، جنبش حروفیه و نهضت پسیخانیان (نقطویان)، تهران، انتشارات کار.
- ۱۴ نسیمی، عمادالدین، (۱۳۷۲)، زندگی و اشعار عمادالدین نسیمی، به کوشش: یدالله جلالی پندری، تهران، انتشارات نی، چاپ اول.
- ۱۵ نسیمی، فضل‌الله، (۱۳۵۴)، دیوان نسیمی تبریزی و نسیمی شیروانی، به اهتمام رستم علی‌اف، تهران، انتشارات دنیا، چاپ اول.
- ۱۶ همدانی، علی، (۱۳۷۶)، اسرارالتقطه، ترجمه محمد خواجهوی، تهران، انتشارات مولی، چاپ اول.
- ۱۷ هوارت، کلیمان، (۱۳۲۷ ه. ق.)، مجموعه رسائل فارسی حروفیه، شهر لیدن، مطبوعه بریل.